

۲ اکتبر ۲۰۲۵ - ۱۰ مهر ۱۴۰۴

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اعتراضات متحد کارگران فولاد اهواز

صفحه ۳

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

صفحه ۳

همه علیه اسرائیل

تحریم، جنگ خنجر بر گلوای مردم ایران

آسو فتوحی

وقتی میدان نبرد میان "اعلام جنگ نظامی" با پیامدهای مرگ و ویرانی سریع و "اعلام جنگ اقتصادی" با تبعات مرگ و فلاکت تدریجی گشوده می‌شود، رسانه‌های جهان، چه در صف دوستان و چه در صف دشمنان دولت‌ها، هر یک از زاویه‌ای در چارچوب منطق سرمایه‌داری به تولید انبوه تحلیل و تفسیر می‌پردازند. این مواجهه جهانی عملاً به دو قطب تقسیم می‌شود: از یک سو مدافعان دولت‌هایی که هدف مستقیم جنگ قرار گرفته‌اند، و از سوی دیگر مدافعان دولت‌هایی که خود را پرچمدار پیشبرد این جنگ‌ها می‌دانند. یک سوی ماجرا تلاش می‌کند اعلان جنگ را در جامه حقوقی و با پوشش دفاع از تمدن مشروع جلوه دهد، در حالی که سوی مقابل با اتکا به گفتمان مقاومت و "حقانیت انقلابی" می‌کوشد است.

صفحه ۶

"همه چیز را متوقف کنید" در فرانسه

مزم با شکوه در دفاع از معیشت و تامین اجتماعی

مصطفی اسد پور

اعتراضات گسترده در سراسر فرانسه که با برکناری نخست وزیر طول ماه سپتامبر را پشت سر گذاشته بود، با گسترش چشمگیر در تمام هفته جاری آشکار بود دیگر به چیزی کمتر از برکناری امانوئل ماکرون رضایت نخواهد داد. "همه چیز را متوقف کنید"، پرچم اعتراض توده‌ای علیه برنامه ریاضت کشی، علیه جبران کسر بودجه در عرض دو هفته به بزرگترین بحران پس از جمهوری پنجم از سال ۱۹۵۸ تبدیل شد، و امروز با وجود اتحادیه‌های کارگری مستقیماً در راس آن و دهها شهر و هزاران فعال میلینانت تقریباً به هدف خود در توقف همه چیز، رسیده است و دولت با بن بست کامل روبرو است. چهار دولت در کمتر از دو

صفحه ۴

بازنشستگی قبل از موعد، موریانه خاموش پیکر طبقه کارگر

مصطفی اسدپور

صفحه ۵

اسرائیل، آینده مردم فلسطین و جهان دو قطبی

آذر مدرسی

علیرغم گذشت دو سال از کشتار بیوقفه مردم فلسطین توسط دولت فاشیست اسرائیل، در حالیکه کشتار و نسل کشی در فلسطین با شدت بیشتری ادامه دارد، حل مسئله فلسطین، آینده آزاد مردم فلسطین و پایان دادن به آپارتاید و نسل کشی سیستماتیک دولت فاشیست اسرائیل و شرکای آن علیه آنان، به معیار تقسیم جهان تبدیل شده است. امروز تقابل قطب جنایتکاران جنگی و تروریستهای دولتی و قطب بشریت آزادیخواه و انساندوست گسترده تر از هر زمانی در جریان است و به نقطه اوج خود رسیده است!

پس از دو سال کشتار و جنایت تمام دولتها، از رفقای قافله اسرائیل در غرب و حامیان رسمی و افسار گسیخته این کشتار تا حامیان غیر رسمی که با انتقادها و تهدیدهای بیمایه و چرتکه انداختن برای استفاده از این کشتار برای کسب اعتبار برای خود عملاً دست فاشیسم اسرائیل را در این کشتار باز گذاشتند و تاریخا مردم فلسطین را قربانی کشمکشها، رقابتها و بازی کثیف دیپلماسی یا میلینتاریسم خود کردند، این دولتها زیر فشار جنبش جهانی برای آزادی مردم فلسطین، برای قطع روابط سیاسی-اقتصادی-نظامی با اسرائیل و فراتر از آن برای بایکوت کردن اسرائیل در تمام برنامه‌های ورزشی، فرهنگی، هنری و، وادار به عقب نشینی‌های موقتی، با حفظ استراتژی در کنار اسرائیل ایستادن در هر جنایتی، شدند. این جنبش قدرتمند و جهانی قطعنامه‌های "شدید اللحن" اما بیخاصیت سازمان ملل، محکوم کردنهای "قاطعانه" اما توخالی روسیه و چین، اشک تمساح ریختن دول عربی برای دهها هزار قربانی بیگناه در نوار غزه، حمایت‌های دروغین حکومت‌هایی چون ایران و ترکیه از مردم فلسطین، تمام طرح‌ها و سناریوهای ارتجاعی علیه مردم فلسطین، تمام "قهرمانی‌های" شنیع "دیگر تحمل نمیکنیم" جنایتکاران جهانی را زیر قدمهای قدرتمند خود خورد کرد.

آخرین پرده این نمایش، اجلاس سازمان ملل با سخنرانیهای "غرا و آتشین" اما بیمایه، با محکوم کردنهایی که قرار بود کشمکشهای دیگری را زیر لوای دفاع از مردم فلسطین حل و فصل کند، بود. نمایشی که تنها حقیقت آن شکست تمام عیار دولت اسرائیل و انزوای آن در جهان و شکست شرکای جرم



آزادی برابری حکومت کارگری

لهله "جامعه جهانی" حول طرح "صلح در غزه" که نه فقط همه حقوق و امتیازات تاکنونی دولت اشغالگر اسرائیل را به روشنی به رسمیت می شناسد که در ازاء دوسال کشتار و نابودی و نسل کشی حقوق ویژه دیگری را به آن میدهد، تلاش در حقه کردن آن بعنوان تنها راه متوقف کردن ماشین جنگی اسرائیل، آنهم با تهدیدات لمین مابانه ترامپ، اوج کثافت "جامعه جهانی" و اعضا را نشان میدهد.

طرحی که خلع سلاح همه نیروها، نه فقط حماس، در نوار غزه و غیر نظامی کردن آنرا پیش شرط خروج اسرائیل از نوار غزه میدانند و همزمان به دولت اسرائیل حق وتوی کامل در هر موردی در طرح را میدهد. طرحی که به روشنی شناسایی قدس (اورشلیم)، بعنوان پایتخت اسرائیل، را توسط نیروهای فلسطینی شرط صلح میدانند اما برای شناسایی دولت فلسطین، حتی با اتکا به حکومت فاسد محمود عباس و در مجمع الجزایر تکه پاره شده ای به نام مناطق فلسطینی، شروطی چون خلع سلاح حماس، غیر نظامی کردن غزه، شناسایی اسرائیل به عنوان دولت یهودی، شناسایی مرزهای جدید اسرائیل، توقف مستمری خانواده های کشته شدگان و اسرای دربند فلسطینی توسط دولت خودگردان و شستشوی مغزی کودکان فلسطینی، بعنوان "توقف تحرک در متون آموزشی فلسطینی"، قائل میشود، را با هیچ درجه از شعبده بازی و شارلاتانیسم نمیتوان به عنوان طرحی برای صلح نامید. طرحی که تا آینده ای نامعلوم کنترل نوار غزه را بدست "شورای صلح"، شورایی متشکل از ارتجاعی ترین عناصر جهانی به رهبری تونی بلیر، می سپارد و تضمین امنیت اسرائیل، نه مردم فلسطین، را بدست ارتشی تحت نظارت ارتجاع غرب میدهد و در ازاء آن نوار غزه را به منطقه سرمایه گذاری کارتهای مالی غرب تبدیل میکند، را نمیتوان به هیچ انسانی با کمترین درجه از شعور و وجدان انسانی بعنوان طرحی برای آینده آزاد مردم فلسطین فروخت. این طرحی برای تثبیت موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا در منطقه با موقعیت تقویت شده و هژمون اسرائیل است.

قطب مقابل این ارتجاع، که سناریوهای ارتجاعی خود را در اوج پیشروی و وقاحت رو به جهانیان اعلام میکنند، کلویی که برای امتیازگیری های سیاسی و اقتصادی از هم آماده هر درجه از جنایت و کشتار یا چشم بستن بر هر کشتار و نسل کشی هستند، نه پشت درهای بسته که در کارخانه ها، بنادر، مدراس، بیمارستانها، دانشگاهها، بنادر و.... عرض اندام میکنند، شهرها و دریاها و اقیانوسها را تسخیر کرده و به این کلوپ و اعضا آن نه میگویند. قطبی که به حق مهر عدم مشروعیت بر تمام ساختار سیاسی، چه در هر کشور و چه در سطح جهان، زده و هیچ طرح و سناریویی را از جانب کلوپ کانگسترها قبول نمیکند.

آزادی مردم فلسطین از تبعیض، از آپارتاید، از جنگ و فقر و فلاکت، حق مردم فلسطین در شکل دادن به آینده و سرنوشت آزاد و برابر و مستقل از سلطه حکومتی اشغالگر چون اسرائیل حرف اول و آخر آن است و برای متحقق کردن آن دست به کار شده است.

قطبی آزادخواه و بشردوست که علیرغم جنایی کردن دفاع از مردم فلسطین و مقابله با فاشیسم حاکم در اسرائیل، علیرغم سرکوب خشونت آمیز ماشین سرکوب "جهان آزاد" و مهد دمکراسی، که امروز دیگر با دستگاه سرکوب کشورهای استبداد زده ای چون ایران تفاوتی ندارند، علیرغم تعرض به آزادیهای سیاسی و مدنی شهروندان و بالاخره علیرغم تلاش سران ارتجاع جهانی در ناچیز شمردن قدرت این قطب، نه فقط عقب نمی نشینند که مهر خود را بر سیاست قدرتهای جهانی و منطقه ای زده و عقب نشینی هایی را به این بلوک ارتجاعی و ضد بشری تحمیل کرده است. این قطب سر باز ایستادن ندارد.

قطبی که مدتها است دیگر فقط در خیابانها و تظاهراتها و با مطالبه از دول ارتجاعی ابراز وجود نمیکند. قطبی که به روشنی اعلام کرده است مستقل وارد عمل میشود. به جای تقاضا برای شکستن دیوار محاصره نوار غزه و ارسال کمکهای انسانی به مردم محاصره شده، خود کمر به شکستن دیوار محاصره و کمک رسانی می بندد، اعلام میکند ما تقاضایی نداریم. ما نیرویی هستیم که میتوانیم به قدرت خود در جهان سیاهی که شما برای بشریت ساخته اید تغییر بوجود بیاوریم. قطبی که یک سر آن درمی اند که در نوار غزه زیر فشار بمباران و گرسنگی امید به آزادی را از دست نمیدهد و علنا به سناریوها و طرح های ارتجاعی نه میگویند و یک سر دیگر آن کارگران ایتالیا، اسپانیا، یونان، بریتانیا، آلمان، آمریکا، استرالیا و....، مردم آزادخواه و انساندوست سراسر جهان اند که برای آزادی مردم فلسطین از هیچ تلاشی، از تظاهرات و اعتصاب و بستن رگ اقتصاد شرکای جرم این نسل کشی تا راهی نوار غزه شدن برای کمک رسانی کوتاهی نمیکند. امروز جهان زیر پای حاکمان آن، بعنوان عاملین نسل کشی و جنایت جنگی به لرزه در آمده است.

این قطب می رود چهره جهان را تغییر دهد، می رود تا نقطه پایانی بر بیش از سی سال تعرض بی وقفه و سیستماتیک به تمام دستاوردهای خود، سی سال تلاش برای عقب راندن جامعه بشری به دوران بربریت، سی سال تلاش برای تبدیل جنگ و ویرانی و میلیتاریسم عربان و افسارگسیخته به بخشی از زندگی میلیاردها انسان در کره خاکی بگذارد. دفاع از مردم فلسطین امروز پرچم این قطب و این جنبش مقاومت در برابر ارتجاع جهانی است.

جهان دو قطبی امروز رنگ دیگری برخود دارد. اگر در جهان سیاهی که کاپیتالیسم برای بشریت ساخته نقطه امیدی هست قدرتگیری این قطب با پرچمی رادیکال، کارگری و کمونیستی است.

آن در تحمیل یا فریب مردم بود!

پیش از این اجلاس هیاهو و تبلیغات حول "شجاعت تاریخی" و "اقدام رادیکال" و "بسیارقه" دولتهای انگلیس، فرانسه، کانادا و استرالیا در به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین، البته دولتی خلع سلاح شده که هیچ قدرت نظامی برای دفاع از خود در مقابل ماشین کشتار جمعی اسرائیل و شرکا ندارد، گوشها را کر کرده بود. توقع داشتند این نمایش مشمزز کننده بتواند پرده ساتری باشد بر پرونده سیاه جنایت جنگی شان. انتظار داشتند با این نمایش نهوع اور سینه خیز از صندلی جنایتکار جنگی به مقام رهبری مدافعان مردم فلسطین نقل مکان کنند و در کنار و همراه ترامپ مدال "صلح طلبی" به سینه بزنند. انتظار داشتند تلاش شان برای نجات دولت فاشیست اسرائیل از بن بست و انزوا را بعنوان سیاست و اقدامی "جسورانه" علیه ترامپ و نتانیاهو به خورد مردم بدهند.

دولتهایی که زیر فشار جامعه و بازتاب آن احزاب، پارلمانها و دستگاههای دولتی را با بحران روبرو کرده است، تلاش برای نجات از این بحران را در بسته بندی هایی چون "اصلاح خطاهای تاریخی"، "ضامن صلح در منطقه"، "فشار به دولت اسرائیل"، "باز کردن دریچه امید برای مردم فلسطین"، البته به رهبری قاتلین شان، تحویل مردم دادند.

جانپان ابلهی که حتی قادر به مخفی کردن اهداف واقعی این "شجاعت" تاریخی را ندارند. ماکرون در مصاحبه با تلویزیون فرانسه چندین بار اعلام میکند به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین دقیقاً از سر منافع کوتاه مدت و بلند مدت اسرائیل است. چرا که تشکیل یک دولت فلسطینی بدون نیروی مسلح و قدرت دفاع و به شرط آزادی همه گروگانها، البته فقط گروگانهای اسرائیلی، ضامن امنیت اسرائیل و آینده امن آن است.

به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین در شرایطی که تشکیل دولت فلسطین نه فقط رسماً از طرف دولت اشغالگر اسرائیل منتفی اعلام شده بلکه عملاً با نابودی نوار غزه و اشغال بخشهای عمده ای از کرانه باختری، غیرممکن شده است، نه فقط یک اقدام نمادین که شیدای سران کلوپ کانگسترهای جهانی است و جواب درخور خود را از مردم آزادیخواه گرفت. بایکوت دولت اسرائیل، قطع کمکهای تسلیحاتی، آتش بس بی قید و شرط و خروج اسرائیل از نوار غزه و کرانه باختری، تنها سنگ محک و اولین قدم در مسیر آزادی مردم فلسطین و امنیت منطقه است! سناریوی این نمایش روی صحنه نرفته تکه پاره شد و نوبت به رئیس کلوپ رسید تا طرح بیست ماده ای "صلح در غزه" را، در کنار "قصاب غزه"، به جهانیان اعلام کند.

اینبار طرح ۲۰ ماده ای ترامپ قرار است شکست اسرائیل را به پیروزی تبدیل کند و دولت اسرائیل، که آینده اسرائیل را با مخاطرات جدی روبرو کرده است، را از بحران سیاسی-اجتماعی درونی و نفرت جهانی نجات دهد. ترامپ بعنوان "طراح صلح" باد در غیبه انداخته و طرح بیست ماده ای، که همان "معامله قرن" ترامپ در سال ۲۰۲۰ به منظور فراهم کردن زمینه برای پیشبرد "پیمان ابراهیم" و جذب اسرائیل در منطقه بدون دولت فلسطین، پیش کشیده بود، را دوباره با عنوان پرطمطراق "صلح در غزه" روی میز گذاشت. طرحی که قرار است با استفاده از نابودی مطلق نوار غزه و پیشروی های اسرائیل در کرانه باختری آیدیت شده را بعنوان "شاه کلید" تضمین "صلح در غزه"، "پیشبرد صلح در خاورمیانه" و بازگرداندن "امنیت به منطقه"، یکبار برای همیشه پرونده حل مسئله فلسطین، آزادی مردم آن و پایان دادن به اشغالگری دولت فاشیست اسرائیل را ببندد. اعضا کلوپ، از روسای سازمان ملل، پارلمان اروپا و دول غربی تا کشورهای عربی و کرملین همگی پشت این طرح ارتجاعی که چیزی جز ادامه بی حقوقی مطلق مردم فلسطین، اسارت آنان اینبار توسط زندانبانان جهانی، به رهبری "قصاب عراق"، تونی بلیر، بر متن مشتی وعده توخالی و پوچ نیست به صف شدند و برای طراح آن هورا کشیدند. نگاهی به این طرح و مفاد آن حاکی پوچی ادعای "صلح در غزه" و "نجات" مردم فلسطین از کشتار سیستماتیک توسط دولت اسرائیل، پوچی هیاهوی شاه کلید تامین صلح و امنیت در منطقه را عیان میکند. این طرح ادامه سیاست ترامپ برای تغییر نقشه ژئوپلیتیک در خاورمیانه با محوریت و تقویت موقعیت اسرائیل و منتفی کردن کامل تشکیل دولت فلسطین است. طرحی که، با هدف بازسازی موقعیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی آمریکا در منطقه، ابتدا در سال ۲۰۱۹ بعنوان "صلح برای راه: چشم اندازی برای بهبود زندگی مردم فلسطین و غزه" و سپس در سال ۲۰۲۰ تحت عنوان "معامله قرن" توسط ترامپ تهیه شد و حتی قادر نشد موافقت روسای فاسد دولتهای عربی را در ازاء امتیازاتی به خود جلب کند. ظاهراً امروز نابودی کامل نوار غزه، نسل کشی و کشتار صدها هزار نفر با بمباران و محاصره اقتصادی و قطع هر نوع کمک انسانی، از آنوقه تا دارو و خدمات پزشکی، زمینه را برای نه فقط طرح مجدد این طرح که تعرض بیشتر به مردم فلسطین و تحمیل بیحقوقی مطلق و تبدیل رسمی آنان به اسرای "جامعه جهانی" آماده کرده است. از نظر این جنایتکاران جنگی ظاهراً تحمیل شرایط دهشتناک به مردم در نوار غزه، تلاش شان در تحمیل بی افقی مطلق و استیصال به آنان زمینه را برای تن دادن آنان به هر سناریویی جز ادامه کشتار، بمب، گرسنگی و مرگ تدریجی آماده کرده است.

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

همه علیه اسرائیل

در آخرین دقائق امشب اول اکتبر، نیروی دریایی اسرائیل به کاروان جهانی صمود حمله کرد و تا این لحظه ۹ کشتی حامل کمکهای بشردوستانه را توقیف کرده است، در حالیکه نگرانی ها از غرق شدن قایق های کوچکتر رو به افزایش است.

حمله به این کاروان در آبهای بین المللی و بازداشت سرنشینان، جنایت دیگری از سوی اسرائیل و در ادامه نسل کشی مردم فلسطین است.

این یورش و سکوت و نظاره گری دول غربی در قبال آن در عین حال نشانگر ریاکاری این دولتها است که مشغول لفاظی در حمایت از مردم فلسطین اند و همزمان از حفاظت و امنیت دریایی برای کشتی ها طفره رفته و هیچ مانعی در مقابل حمله نیروی نظامی اسرائیل را قرار ندادند. اینبار نیز، همانند حملات پیشین به کاروانها دیگر، اسرائیل با اتکا به این حمایت و بدون نگرانی از عواقب این حملات، مرتکب جنایت میشود.

امشب به محض رسیدن خبر حمله اسرائیل به کشتی های کاروان موج اعتراضات در بسیاری از شهرها در اروپا، در نیویورک و شهرهای دیگر به راه افتاد و اعتراضات دیگر در راه است. بزرگترین اتحادیه کارگری ایتالیا در اعتراض به این حمله وحشیانه فراخوان اعتصاب عمومی داده است. اعتراضاتی که با خواست پایان فوری و بی قید و شرط محاصره، تحمیل گرسنگی و کشتار مردم بیگناه فلسطین توسط دولت فاشیست اسرائیل، نمایانگر عمق انزجار عمومی در قبال جنایات دولت اسرائیل و متحدانش است.

مردم جهان، انسانیت متمدن در سراسر دنیا سالها است که علیه جنایات دولت اسرائیل به پا خاسته، و به درستی دولتهای فرانسه، بریتانیا، آلمان و آمریکا و، تمام حامیان اسرائیل را، بعنوان شرکای جرم این جنایات علیه بشریت معرفی کرده است.

اقدامات جنایتکارانه اسرائیل و هم پیمانانش باید فوراً متوقف گردد، و این تنها توسط کسانی ممکن است که هیچ منفعتی در ادامه مرگ و ویرانی ندارند. ما، به عنوان بخشی از جنبش جهانی علیه وحشیگری اسرائیل و متحدانش، کارگران، اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، و همه آزادیخواهان را به اتحاد و تحرکی جهانی علیه این نسل کشی فرا میخوانیم تا یکبار برای همیشه، به جنایات دولت اسرائیل و هم پیمانانش، پایان دهند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) ایرانیان آزادیخواه را به پیوستن به این اعتراضات فرا می خواند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) - تشکیلات خارج کشور

۱ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات متحد کارگران فولاد اهواز

طی دو هفته گذشته شاهد تجمعات اعتراضی پی در پی و متحدانه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به شرایط کاری خود بودیم. کارگران به عدم پرداخت دستمزدهای مرداد و شهریورماه، قطع اضافه کاری، عدم پرداخت بیمه پایه و ناکارآمد بودن بیمه تکمیلی و مسئله پاداش ها و سایر مزایای خود معترض اند. کارگران فولاد همزمان از کاهش تولیدات به دلیل قطع برق و کمبود مواد اولیه و هزینه نکردن مدیریت و بانک ملی و در نهایت خطر تعطیلی و بیکاری خود نگران و خواهان اقدامات عملی هستند.

روز چهارشنبه دوم مهر ماه فرماندار اهواز در میان کارگران حضور یافت و وعده داد که به مطالبات آنها رسیدگی خواهد کرد. روز دوشنبه ۷ مهر ماه و در پی عدم رسیدگی دولت و مدیریت به خواستها و عدم اجرایی وعده ها، کارگران فولاد دست به تجمعی وسیع زدند. آنها ابتدا در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند و بعدنابل به طرف فرمانداری دست به راهپیمایی زدند. کارگران خطاب به مقامات دولتی و کارفرمایان اعلام کردند که از وعده های پوچ و دروغین آنها به ستوه آمده اند، اعلام کردند که تا رسیدن به مطالبات خود به اعتراضات ادامه خواهند داد.

بر اساس اخباری که برخی از رسانه های از زبان کارگران فولاد منتشر کرده اند، وضع کارگران اهواز در تابستان امسال به مراتب بدتر از گذشته است. کارگران میگویند همه اضافه کاری ها متوقف شده است و شیفت های کاری از ۸ ساعت به ۶ ساعت تقلیل یافته است و بر همین اساس دستمزدهای آنها کاهش یافته و کفاف زندگی را نمیکند. گفته می شود مدیریت فولاد بعلاوه رستوران شرکت را بسته است و با قطع ناهار و شام کارگران میکوشد هزینه های شرکت را از جیب کارگران بپردازد.

کارگران در اعتراضات اخیر خود بارها تاکید کرده اند که از مطالبات خود کوتاه نخواهند آمد و اعتراضات و اعتصابات آنها پایان نخواهد یافت مگر اینکه به مطالبات آنها جامه عمل پوشیده شود. پافشاری کارگران و خصوصاً تجمع و راهپیمایی بزرگ آنها در روز دوشنبه ۷ مهر ماه، کارفرمایان و دولت را وادار به عقب نشینی کرد. ناچار شدند فوری حقوق مرداد ماه را واریز کنند و تعهد بدهند که دستمزدهای شهریور را نیز فوری بپردازند و اقدامات عملی برای تأمین بقیه مطالبات کارگران انجام دهند. کارگران اعلام کرده اند که در صورت تکرار وعده های دروغین و فریبکارانه و عدم رسیدگی جدی به مطالبات شان، فولادی ها به اعتصابات و اعتراضات خود به طور گسترده تر ادامه خواهند داد.

بی تردید عقب نشینی مدیریت و مقامات دولتی و پرداخت حقوق مرداد و تعهد به واریز کردن فوری حقوق شهریور ما و تعهد به رسیدگی به سایر مطالبات، يك پیروزی برای کارگران فولاد است. این پیروزی نتیجه اتحاد و همبستگی قابل تقدیر کارگران این مرکز است، امری که بدون تجمعات همبسته آنها و فشار همه جانبه به کارفرمایان و دولت تحقق آنها ممکن نبود.

کارگران فولاد اهواز تاریخی از مبارزه و اعتراض متحد برای رسیدن به مطالبات خود را دارند. آنها دوره ای طولانی از جدال و کشمکش برای تأمین ابتدایی ترین حقوق کارگری خود را در پرونده دارند، دوره ای که اتحاد و همبستگی عمیق و همه جانبه فولادی ها، همبستگی و حمایت متقابل آنها از کارگران هفت تپه زبان زد خاص و عام بود و الگویی ارزشمند و بیاد ماندنی از مبارزات به حق کارگری را در تاریخ جنبش کارگری ایران ثبت کرد. این تجربه هنوز هم در خون و رگ کارگران فولاد و در مبارزات این دوره آنها جاری است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن حمایت همه جانبه خود از اعتراضات کارگران فولاد، به آنها درود میفرسد و تاکید میکند، که تنها راه رسیدن به هر مطالبه ای، اتحاد و همبستگی کامل کارگران است. ما در دوره ای حساس قرار داریم و بورژوازی ایران و حکومتش در این دوره وسیعترین تعرض ها به زندگی و معیشت طبقه کارگر و اقشار محروم را به بهانه شرایط جنگی و تحریمها در دستور خود گذاشته اند. آنها متحدانه سفره خانواده های کارگری را نشانه گرفته اند تا نیازهای سیستم کاپیتالیستی خود و حکومتشان را تأمین کنند. گرانی سرسام آور، کاهش عملی دستمزدها، اخراج و بیکار سازی و پادگانی کردن شهرها و محلات کارگری و مراکز کار، همراه با تهدید و پرونده سازی و احضارها، اعدام و زندان و تبلیغات وسیع ناسیونالیستی و تفرقه افکنانه، تنها گوشه ای از این تعرض است. در مقابل ابزار ما چیزی جز همبستگی طبقاتی و کارگری ما، هوشیاری و خودآگاهی ما به عنوان يك طبقه واحد و حمایت از هم طبقه ای های خود در سایر مراکز در این جدال نیست. این دوره بیش از هر زمانی و برای دفاع از زندگی خود، از حرمت و کرامت خود در مقابل دولت و طبقه سرمایه دار به صف متحد و همبسته کارگری نیاز داریم.

زنده با صف همبسته طبقه کارگر

زنده باد حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

دوم مهر ۱۴۰۴ - دوم اکتبر ۲۰۲۵

”همه چیز را متوقف کنید“ در فرانسه

سال و دولت پنجمی در آچمز، مقابله دائمی تظاهر کنندگان با خشونت فزاینده پلیس گویای وضعیتی است که دست کمی از جنبش جلیقه زردها ندارد.

صرفه جویی معادل ۵۰ میلیارد یورو و از جمله افزایش سن بازنشستگی بعلاوه توقف اکثر هزینه های رفاهی و لغو دو روز از تعطیل رسمی و در نتیجه جبران کسر بودجه دلیل اصلی اعتراضات است که بخش های مختلف جامعه را به حرکت درآورده است. کاهش چشمگیر محبوبیت ماکرون تا مرز ۱۶ درصد و نگرانی از تکرار درگیری های خیابانی مشابه سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۲۳ جلیقه زردها دولت فرانسه را به دست و پا انداخته و با بسیج گسترده پلیس و خشونت چشمگیر خیال داشت تا شاید اعتراضات امسال را محدود سازد.

خبرگزاری رویترز در گزارش مفصل خود از هجدهم سپتامبر تصویر صدها هزار نفر در اعتراضات سراسری علیه ریاضت کشی اقتصادی را منعکس ساخت که از دولت فرانسه خواستند تا خشم آنها را بپذیرد. همزمان معلمان، رانندگان قطار، داروسازان و کارکنان بیمارستان از جمله کسانی بودند که در بخشی از اعتراضات روز اعتصاب کردند، و نوجوانان ده ها دبیرستان را ساعتها مسدود ساختند. معترضان و اتحادیه ها خواستار لغو برنامه مالی دولت مبنی بر افزایش هزینه خدمات اجتماعی همچنین خواستار افزایش مالیات بر ثروتمندان و لغو تمام تصمیماتی شده اند که مردم را مجبور می کند برای دریافت مستمری، بیشتر کار کنند.

این خیابان ها هستند که باید بودجه را تعیین کنند!

سوفی بینه، رئیس اتحادیه CGT، گفت: ”خشم بسیار زیاد است، و همچنین عزم و اراده. پیام من به آقای لکورنو امروز این است: این خیابان ها هستند که باید بودجه را تعیین کنند.“

اتحادیه سراسری کارگران فرانسه (CGT) اعلام کرد که یک میلیون نفر در اعتصابات و اعتراضات شرکت کردند. در ساعات شبانگاهی خبر استقرار ۸۰ هزار پلیس از جمله واحدی ضد شورش، پهپادها و خودروهای زرهی در درگیری با تظاهر کنندگان ۱۸۰ مورد دستگیری به جرایم راه یافت. روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: ”مالیات خود را بپردازید یا قلعه های پتان را به آتش می کشیم“ که یادآور ماهیت فئودالی این رفتار ناپرابر و تبدیل شهروندان به رعیت بود. یکی از راهپیمایان خاطرنشان کرد که مکرون چقدر مالیات ثروتمندان را کاهش داده است (کسانی که به ندرت اوضاعشان به این خوبی بوده است) ”و بعد وقتی صندوق ها خالی می شوند، به ما می گویند که لازم است هزینه ها را کاهش دهیم.“

همه گروه های سنی در این تظاهرات حضور داشتند. در بزاسون در شمال، یک کارخانه فولاد متعلق به شرکت آرسلورمیتل تهدید به حذف ۳۵۰ شغل کرده است و کارگران در آن شهر و پاریس از شرکت خواستند تا مشاغل را حفظ کند. در پاریس، دبیرستان ها با قدرت به خیابان ها آمدند و یک گروه پشت بنری راهپیمایی کردند که روی آن نوشته شده بود: ”پول برای مدارس، نه برای پلیس و ارتش“. تنها چیزی که در تلویزیون نشان میدهند سوزاندن زباله است!

باز هم، حمایت گسترده ای از تظاهرات وجود داشت، و به طور سنتی بیشتر از جناح راست جلیقه زردها و احزاب چپ Le France Insoumise (فرانسه تسلیم ناپذیر)، کمونیست ها، سبزها و سوسیالیست ها با تشویق و راهپیمایی در کنار اتحادیه ها شرکت کردند. یکی از معترضان جلیقه زردها، که از این اتحاد نوظهور حمایت می کرد، گفت: ”تعداد ما اینجا به اندازه ای نیست که از نعمت تفرقه برخوردار باشیم، باید مانند اعتراض هفته گذشته، همه جناح های طیف سیاسی باید برای شکست دادن این حمله ریاضتی تمام عیار، متحد شوند.“

اتحادیه های کارگری با فراخوان اعتصاب در درجه اول خواهان برکناری دولت و سپس لغو سیاست ریاضت کشی چشم انداز تازه ای از کشمکش ها را در فضای سیاسی فرانسه ترسیم کرده اند. سوفی بینه، دبیرکل کنفدراسیون عمومی کارگران، به تلویزیون BFM گفت: ”اول از همه، چیزی که می خواهیم بدانیم این است که دولت چه کسی خواهد بود... و سپس می خواهیم بدانیم بودجه چه خواهد بود، و اگر هرگونه عقبگرد در بودجه وجود داشته باشد، بدیهی است که اجازه تصویب آن را نخواهیم داد.“

روز چهارشنبه با فراخوان اتحادیه ای کارگری همه چیز عوض شد. رونو ریتیلو، وزیر کشور، به بی اف ام گفت که قرار است حدود ۷۶۰۰۰ افسر پلیس مستقر شوند که حدود ۵۰۰۰ نفر از آنها در منطقه پاریس خواهند بود.

در همان اولین ساعات روز پنج شنبه دوم اکتبر خبرها به نقل از وزارت کشور

حاکمی از ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر در صفوف اعتراضی دارد. تا اواسط بعد از ظهر، ۱۴۰ نفر در سراسر فرانسه دستگیر شدند. در حاشیه تجمعات اعتراضی در شهر نانت در غرب فرانسه، درگیری هایی رخ داد که پلیس به شلیک گاز اشکآور متوسل شد و در لیون نیز رسانه های فرانسوی گزارش دادند که سه نفر زخمی شده اند.

خبرگزاری گاردین به نقل از چند نفر از شرکت کنندگان در اعتراضات نوشت: ”ما اینجا هستیم تا از خدمات عمومی که با کاهش های متوالی بودجه دولت در حال تضعیف هستند، محافظت کنیم.“

”فرانسه یکی از معدود کشورهایی است که هنوز یک سیستم تأمین اجتماعی مناسب و یک شبکه ایمنی برای مراقبت از افراد نیازمند جامعه دارد، اما سال به سال با کاهش بودجه، این شبکه در حال فرسایش است. حقوق کارگران بخش دولتی بسیار پایین است؛ ما این کار را انجام می دهیم چون عاشق آن هستیم و می خواهیم به مردم خدمت کنیم، نه برای سود. با این حال، ما به خاطر بدهی بالای عمومی سرزنش می شویم، در حالی که در واقع این تخفیف های مالیاتی امانوئل مکرون برای مشاغل است که به امور مالی عمومی آسیب رسانده است. ما امروز به طور مسالمت آمیز راهپیمایی می کنیم زیرا فقط می خواهیم دولت شروع به گوش دادن به ما کند.“

کریستین، که در خدمات فرهنگی در وال-دومارن در حومه پاریس کار می کرد، گفت: ”تعداد بیشتری از کارگران فقیر وجود دارند - افرادی که شغل دارند، نمی توانند اجاره خانه بدهند و در ماشین هایشان می خوابند.“

گیوم، ۴۹ ساله، مددکار جوانان کودکان محروم از سیستم آموزشی در روان، نرماندی، برای راهپیمایی به همراه شاخه مددکاران بهداشتی اتحادیه SUD به پاریس آمده بود. او گفت: ”تمام حمایت های اجتماعی، از حقوق بازنشستگی گرفته تا تأمین اجتماعی و مقررات مراقبت های بهداشتی، مورد حمله قرار گرفته اند. ثروتمندان ثروتمندتر می شوند و نابرابری بیشتری وجود دارد. من تأثیر کاهش بودجه را در بخش مددکاری اجتماعی می بینم - کودکان بیشتری به کمک نیاز دارند و کووید اوضاع را بدتر کرده است زیرا برخی از کودکان در خانه هایشان با خانواده هایی که ممکن است آنها را نادیده گرفته یا با آنها بدرفتاری کرده باشند، محبوس شده اند. من امروز اینجا هستم تا به دولت بگویم: دادن پول به مشاغل بزرگ به عنوان تخفیف مالیاتی و کمک های مالی را متوقف کنید، این به جامعه و کل بخش دولتی آسیب می رساند. ما به اقداماتی برای مالیات گرفتن از افراد بسیار ثروتمند نیاز داریم.“

در ساعت نگاهی این گزارش کامکان اعتراضات با شور و حرارت بسیار در دهها شهر ادامه دارد و همه چیز و مشخصا ابتکار عمل اتحادیه های کارگری د راس این اعتراضات چشم انداز بمراتب روشن تر برای پیروزی را در مقابل کارگران و مردم معترض در فرانسه قرار میدهد.

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)، سنگر اتحاد

طبقاتی و تشکل حزبی شما است.

به این حزب پیوندید!

بازنشستگی قبل از موعد، موریانه خاموش پیکر طبقه کارگر

مصطفی اسدپور

کارهای سخت و زیان آور بافت طبقه کارگر در ایران و ستونهای بقا و انسجام آنرا بی هیچ وقفه و بیرحمانه مورد حمله قرار میدهد. این یک موریانه است، یک آلودگی، یک تهاجم خانمان برانداز است که نوک تیز آن در خصلت خاموش آن نهفته است. به سختی باور کردنی است که در سال ۱۴۰۳ تعداد ۸۵۰ هزار کارگر در دفاتر وزارت کار رسماً به دلیل انواع دلایل منتسب به پرونده شغل سخت و زیان آور در زمره از کار افتادگان غیر قابل بازگشت به کار، پس از پشت سر گذاشتن انواع معالجات، ثبت شده است. "وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه ۸۵۰ هزار بازنشسته از محل مشاغل سخت و زیان آور داریم، بیان کرد: این تعداد رو به افزایش است. اراده وزارت کار این است که کارگران کمتری در شرایط زیان و سخت کار کنند" (اعتماد آنلاین، دهم مهر ماه ۱۴۰۳) مطابق اظهارات، در واقعیت وضع هنوز بمزاتب بدتر است.

در سال ۱۴۰۳ ماموریت ویژه برای ساماندهی امر رسیدگی به سیل متقاضیان بازنشستگی، وزارت کار را فلج ساخته بود چرا که کمتر کسی انتظار داشت در مدت چند ماه زیر موج بزرگ متقاضیان فلج شود. با حذف بازرسان رسیدگی به ایمنی محیط کار، با حواله موارد شکایت کارگران به کدخداهای میان کارگر و کارفرما تلنبار تعداد هر چه بیشتر متقاضی و بلاتکلیفی قانونی وضعیت دیگر به مرز غیر قابل تحمل رسیده بود که الگرناتو حواله متقاضیان مورد توجه مقامات وزارتخانه قرار گرفت. دسترسی به کامپیوتر و اینترنت با وضعیت برق و در ترکیب هزار و یک گرفتاری روزمره میبایست متقاضیان زیادی را در نیمه راه پشیمان کند. برای درک درست از وضعیت واقعی باید خود سراغ این سایت مد نظر بروید. حجم بزرگ سوالات و ابهامات در پرکردن فرم های مختلف برگزیده از آرشو استفاده و پیچیدگی های بسیار نتوانست از تعداد متقاضیان بکاهد. در عوض به ماموریت جدید وزارت کار برای تعیین تکلیف جدی منجر گردید. این بار تعریف قانون کار از مشاغل سخت و زیان آور و نفس پدیده بازنشستگی است که باید مورد تجدید نظر قرار بگیرد. (ادامه در صفحه ۳)

ماموریت جدید وزارت کار به نقل از پروانه رضایی، معاون وزیر کار:

"یکی از مهمترین مسائل حوزه کارگری، مشاغل سخت و زیان آور است که باید با واقعیت های میدانی و اصول قانونی تطبیق داده شود.... برخی مشاغل به دلیل ماهیت خود، سخت و زیان آور هستند و باید در این چارچوب دیده شوند، اما در مواردی لازم است محیط کار بهینه سازی و سالم سازی شود تا دیگر مشمول این قانون نباشند. ...آمارهای سازمان تأمین اجتماعی نشان می دهد ۵۲ درصد بازنشستگی های پیش از موعد در کشور به دلیل قرار گرفتن در مشاغل سخت و زیان آور بوده است که این رقم نشان دهنده روندی غیر منطقی است.

وی ادامه داد: میانگین سن بازنشستگی پیش از موعد در کشور به ۴۰ تا ۴۲ سال رسیده که کاهش نیروهای متخصص و جوان را به همراه داشته است.... در این ارتباط کمیته ای مشترک میان سازمان تأمین اجتماعی و تشکلهای کارگری و کارفرمایی تشکیل می شود تا راهکارهای منطقی و قانونی برای اصلاح این روند ارائه شود و به این صورت افراد شاغل در مشاغل سخت از مزایای قانونی خود بهره مند شوند و از سوءاستفاده های احتمالی جلوگیری شود.

وی با تأکید بر اینکه باید فرهنگ سازش و مصالحه در روابط کار تقویت شود افزود: سالانه بیش از ۵۰۰ هزار شکایت در حوزه کارگری ثبت می شود که نشان دهنده ضرورت بازنگری در روابط کار و ایجاد بسترهای همکاری و تقاهم است."

در ادامه موضوع اصلی نوشته، مطابق اظهار نظر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: در مورد آئین نامه مشاغل سخت و زیان آور مساله به همین شکل است اولاً این سخت و زیان آور بودن به ضرر کارگر و کارفرما است و به لحاظ مالی هم هزینه های سنگینی برای سازمان تأمین اجتماعی و دولت دارد.

میدری گفت: بر اساس برآوردی که در سازمان تأمین اجتماعی انجام شده این بار مالی بر دوش سازمان است بنابراین هر جایی که امکان دارد شرایط سخت

و زیان آور مشاغل تغییر کند ما همکاری می کنیم.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه ۸۵۰ هزار بازنشسته از محل مشاغل سخت و زیان آور داریم، بیان کرد: این تعداد رو به افزایش است. اراده وزارت کار این است که کارگران کمتری در شرایط زیان و سخت کار کنند ما تنها امتیازی که می توانیم به کارگران ارائه کنیم بازنشسته کردن پیش از موعد است. اما سخت و زیان آور به این معناست که باید دستمزد آن تغییر کند و طرح طبقه بندی مشاغل هم باید تغییر کند.

بر اساس اظهارات و ایده های وزیر و سایر مقامات وزارت کار سیاست و آیین نامه کارهای سخت و زیان آور تغییرات اساسی را شامل خواهد شد.

ماموریت جدید، یک حمله پایه ای به طبقه کارگر!

امروز مزدهای زیر خط فقر و معیشت فارغ از سبد نیازهای پایه ای خانواده کارگری یک نرم متعارف به حساب می آید که بجز لاطنالات روزمره جایی را در دخالت واقعی و عملی دولت و مقامات اشغال نمیکند. کشمکش و فضای جنگی می خواهد کار سخت و نامانی محیط کار و عواقب آنرا نرمالیزه کند، آنرا از همه ملاحظات و ویژه مشخصاً در مفهوم بازنشستگی زودرس بتکاند. بلبل زبانی وزیر کار در توضیح و در دفاع از جوهره کثیف نقشه دولت علیه نفس حق و نفس کرامت کارگری جامعه خیره کننده است.

... در مواردی لازم است محیط کار بهینه سازی و سالم سازی شود تا دیگر مشمول این قانون نباشند.

... سخت و زیان آور بدین معنا است که باید دستمزد آن تغییر کند و طرح طبقه بندی مشاغل هم باید تغییر کند.

بورژوازی ایران بعد از نرمالیزه کردن دستمزدهای زیر خط فقر و در ادامه همه گیر ساختن فقر و دستمزد زیر خط فقر اکنون تصمیم دارد همان سیاست را در مورد زیر مجموعه های همان سیاست جا دهد.

همانقدر که از شواهد پیداست نکات اصلی سیاست مد نظر دولت و وزارت کار بر مفاد زیر استوار خواهد شد:

اول- دولت که در برخورد با هزاران مورد از مرگ و بیماری های خطرناک فجیع کارگری از خود خلع مسئولیت کرده است، دولت که رسماً از تحمیل امنیت مشاغل دست شسته است، دولت که از تأمین بیمه های فکسنی در محیط کار، بخصوص در مشاغل سخت و زیان آور بی میل و نا توان است و عملاً از کارچاق کن بی موجب کارفرمای سوجدو فراتر نرفته است؛ تصمیم دارد همه حق طلبی ممکن را از پیکر کارگران در انتهای باتقیمانده از ۲۰ تا ۲۵ سال بردگی نیز بتکاند.

حوصله وزیر کار از انبوه مراجعین سر رفته، موقعیت ایشان از فشار ناشی از خرده فرمایشات کارفرمایان در خطر است، در ثدد است نزارت کار و دولت را از مل صئرت مساله خلاص نماید. طبق محاسبات ایشان خیلی ساده کارهای سخت و همه عواقب آن میتواند به زیر مجموعه دستمزد منتقل شود و به صورت یک ضریب معین در دستمزدهای سالانه، و هر سال بطور مستقل در مذاکرات و چانه زنی و در دایره همان ضریب های بلاتکلیف و پا در هوا حل و فصل شود. مگر نه اینست که حق مسکن، حق اولاد، قانون تأمین معیشت یا قانون جبران تأثیر تورم بر دستمزد؟ هر سال در منظر عمومی به لجن کشیده میشود تا سود مد نظر کارفرما یا همزمان سر و ته بودجه پر از ریخت و پاش اقلیت حاکم مجلس و دولت هم بیاید؟ ضریب تازه تری برای جبران مشاغل خطرناک و ضریب مکمل برای آسیب دیدگان در ادامه همان روش ضد کارگری، اگر نه برای کارگران بلکه دقیقاً برای وزارت کار و کارفرمایان یک هدیه آسمانی خواهد بود. وزیر کار در تدارک هدیه است و ایشان در بسته بندی آن جز شلختگی و دهان کجی زحمت بیشتر را لازم نمیداند.

در ظرفیتهای ارتجاعی جمهوری اسلامی بزحمت میتوان اغراق کرد، اما هنوز باید این لقمه را زیادی بزرگ به حساب آورد. تدارک و آمادگی و اتحاد صفوف کارگری تعیین کننده خواهد بود. سرنوشت این کشمکش به هر جا برسد باید نفرت و بیزاری ۸۵۰ هزار از کارگر مشمول این پرونده و میلیونها کارگر دیگر بر علیه توحش بورژوازی ایران و دولت آن در برپایی قتلگاه عظیم اشتغال و استثمار طبقه کارگر ایران را بصورت عاملین آن تف کرد.

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

تحریم، جنگ

که به جنگ نظامی با اقتصادی چهره‌ای مشروع ببخشند. در این میان، مردم جهان، و به‌ویژه مردم ایران، تنها نظاره‌گران این بازی‌های شنیع قدرت‌های جهانی هستند که در مجامع بین‌المللی همچون سازمان ملل به‌منابه فینال سرنویشت رقم می‌خورند، بی‌آنکه امکان تأثیرگذاری واقعی بر روند آن داشته باشند. ناگفته نماند که آنچه امروز "سازمان ملل" نامیده می‌شود از منظر مردم جهان مشروعیت خود را از دست داده است و از درون بعنوان سازمان پیشبرد منافع قدرت‌های غربی با چالشهای جدی روبرو است.

مسئله فروپاشی مشروعیت سازمان ملل نه یک خطای عرضی با ناکارآمدی نهادهی، بلکه تجلی بن بست تاریخی و ساختاری سیستم جهانی کاپیتالیستی است. سازمان ملل از بدو تأسیس تاکنون همواره به عنوان ابزار تنظیم منازعات درون بلوک قدرت‌های سرمایه داری و تضمین باز تولید سلطه آنان بر پیرامون عمل کرده است. حق وتوی آمریکا و دیگر اعضای دائم شورای امنیت نه یک "استثنا" بلکه جوهر نظم موجود را آشکار می‌کند: حمایت نامحدود از پروژه‌های استعماری چون اسرائیل و در همان حال، اعمال بی رحمانه مکانیسم‌های فصل هفتم علیه کشورهایی که در "مدار سلطه" نمی‌گنجند. این تناقضات به ظاهر حقوقی و واقع بیان روابط قوا در سطح جهانی اند؛ روابطی که در آن حق حیات میلیون‌ها انسان به گروگان منافع سرمایه مالی و ژئوپولیتیک غربی گرفته می‌شود. سازمان ملل در این معنا چیزی جز نهاد تنظیم کننده مناسبات سلطه و تضمین کننده انضباط امپریالیستی نیست، و بنابراین فروپاشی مشروعیت آن نه "بحران اخلاقی"، بلکه لحظه‌ای از بحران عمومی سرمایه داری جهانی است که روز به روز آشکارتر می‌شود.

اعلام جنگ اقتصادی امروز سازمان ملل علیه ۹۲ میلیون انسان در ایران به بهانه دستیابی جمهوری اسلامی به انرژی هسته‌ای، بمب اتم و ... تهوع آورتر از آن است که هر انسان با شعوری بتواند آن را ببیند. همانطور که حمله به عراق را به بهانه خلع صلاح دولت صدام حسین از سلاح‌های کشتار جمعی نپذیرفت. اعلام جنگ اقتصادی و تحریم در دیپلماسی جهانی "ابزار فشار غیرنظامی" است، اما در واقع ابزار معامله‌گری و امتیازگیری است. هر بلوک قدرتی که دست بالا را دارد، با تحریم اقتصادی عملاً سفره‌ی مردم را گروگان می‌گیرد تا در میز مذاکره از طرف مقابل امتیاز بگیرد. تحریم‌های سازمان ملل و آمریکا علیه ایران، بارها ثابت کرده اند که هدفشان نه حکومت، بلکه مردم بوده اند. هدف تحمیل فلاکت روزمره و گسترده به بیش از ۹۰ میلیون انسان تا اعتراض کور اجتماعی دامن بگیرد و شرایط برای معامله‌ی جدید آماده شود. چه در زمان شروع جنگ اقتصادی و چه در زمان مذاکره اقتصادی مردم ایران نه فقط نقش و دخالتی نخواهند بود که برعکس نسبت به شان به جز شر و فلاکت و فقر خواهد بود.

نگاهی به پشت پرده برخی زوایای جنگ اقتصادی "تحریم" به مثابه یک ماشین جنگی بیندازیم.

در بعد خارجی و در زمین دول غربی: فصاحت و وقاحت قطعنامه‌های شورای امنیت اینبار تنها به تحریم ختم نمی‌شوند؛ بلکه مشروعیت حقوقی برای تعرض نظامی هم می‌آفرینند. وقتی کشوری تحت فصل هفتم قرار می‌گیرد، هر گونه "اقدام قهری" علیه آن از پیش در نظام حقوقی بین‌الملل مشروعیت پیدا میکند. این همان سیاستی است که آمریکا و متحدانش بارها در عراق و لیبی در پیش گرفتند. امروز در رابطه با ایران نیز تحریم اقتصادی، تحمیل فقر به مردم، به عنوان گام اول برای امتیازگیری یا تمکین به سیاستی، اتخاذ شد و در صورت عدم تمکین ایران به نوع معامله غرب، سناریوی بمباران و ویرانی و رژیم چنج و دست نشانده‌گانی، به همان اندازه جمهوری اسلامی ارتجاعی، به‌عنوان گام نهمی روی میز قرار می‌گیرد.

در داخل ایران: جنگ اقتصادی دو نقش کاملاً متفاوت را برای جامعه بازی خواهد کرد، رانت برای اقلیت بالایی‌ها، فلاکت برای اکثریت میلیونی پایین جامعه، تحریم به ابزار رانت سازی برای طبقه‌ی حاکم بدل می‌شود. بانک‌های جهانی بسته می‌شوند، اما شبکه‌های وابسته به نهادهای نظامی و امنیتی با قاچاق و دلالی سودهای نجومی می‌برند. دلارهای نفتی در مسیرهای مخفی جابه‌جا می‌شوند و دست‌های پنهان "حق‌العمور" می‌گیرند. بر خلاف تبلیغات طرفداران این سیاست ارتجاعی و ضد انسانی این بالایی‌ها و بخصوص جمهوری اسلامی نیست که کمرش زیر فشار تحریم‌های اقتصادی شکسته می‌شود. تاصیر تحریم اقتصادی همیشه دوگانه است:

• بالا: انباشت رانتی برای بلوک‌های شریک قدرت.

• پایین: صف نان و دارو، تورم افسارگسیخته و سقوط معیشت

در این خصوص به برخی شواهد و اسناد تاریخی و معاصر می‌توان رجوع کرد:

بحران دارو؛ به گروگان گرفته شدن جان انسان با ابزار تحریم

• با تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا در فاصله سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۴، بانک‌های واسطه حتی برای اقلام معاف شده از تحریم، مانند دارو و تجهیزات پزشکی، هم نقل و انتقال مالی انجام نمی‌دادند. گزارش عفو بین‌الملل و انجمن تالاسمی ایران نشان داد بیش از ۱۵ هزار بیمار تالاسمی دچار کمبود دارو شدند و ده‌ها نفر جان باختند.

به گزارش "Human Rights Watch" در سال ۲۰۱۹، تحریم‌های بانکی آمریکا مانع از واردات داروهای شیمی درمانی و دیالیز شدند و سلامت میلیون‌ها ایرانی را تهدید کردند.

ایجاد بحران غذا و تغذیه؛ به گروگان گرفتن نان سفره مردم ایران

• تحریم کنندگان "شریف" و "هوشمند" در بازی با پاراگراف‌ها و مفاد های جنگ اقتصادی خود غلات را رسماً جزو مفاد تحریم قرار نمی‌دهند، اما بانک‌ها از ترس جریمه‌های آمریکا از گشایش اعتبار برای خرید گندم در سال ۲۰۱۲ خودداری کردند. ایران مجبور شد از طریق واسطه‌ها و با هزینه‌های چند برابر گندم را خرید کند. نتیجه: قیمت نان و برنج به طور سرسام آور افزایش یافت، بنگاه‌های ذیفغ غرب و ایران سودهای میلیونی به جیب زدند و وسع مردم خرید تک نانی برای وصله کردن به شکم گرسنه خانواده شان بود.

• نیویورک تایمز در گزارشی در همان سال نوشت: "تحریم‌ها که ظاهراً بانک‌ها و صنایع نفتی را هدف گرفته اند، سفره مردم ایران را نشانه رفته اند: قیمت مرغ، برنج و دارو در تهران سر به فلک کشیده است".

• یا در سال ۲۰۱۸ با بازگشت تحریم‌های ترامپ، شرکت‌های اروپایی داروسازی و تجهیزات پزشکی حتی از قراردادهای معاف شده هم کنار کشیدند. انجمن واردکنندگان دارو در ایران اعلام کرد که تجهیزات دیالیز و داروهای سرطان کمیاب شدند.

بر کسی پوشیده نیست که از سال ۱۹۷۹ که برخی تحریم‌های آمریکا علیه ایران شروع شد و در دهه‌ی ۱۹۸۰ تحریم‌های آمریکا بتدریج گسترش یافت و شامل ممنوعیت فروش اسلحه، محدودیت‌های مالی و تجاری شد تا شروع بین‌المللی شدن جنگ اقتصادی با ایران در سال ۲۰۰۶ و این جنگ را وارد فاز چند جانبه کرد اما نتیجه تحریم‌های بیش از ۴۰ ساله غرب علیه ایران نه موشک و قدرت نظامی حاکمیت، بلکه معیشت و سلامت مردم ایران را هدف گرفته بود.

تحریم و محاصره اقتصادی، ابزار جنگی تازه‌ای نیستند؛ همان سیاست قدیمی "قحطی به مثابه سلاح" در لباس حقوقی مدرن تکرار می‌شود. مردم ایران بارها و حتی در تاریخی دورتر؛ طعم تلخ تحریم و قحطی به‌عنوان سیاست و ابزاری برای بده‌بستان بین قدرتهای جهانی را چشیده اند: در بین سالهای ۱۹۱۷-۱۹۱۹ امپراتوری بریتانیا با انسداد راه‌های تجاری و مصادره غلات، ایران را در قحطی فرو برد. برآوردها از مرگ یک تا دو میلیون نفر حکایت می‌کنند.

تحریم یعنی جدال دو قطب جمهوری اسلامی و دول غربی، یک قربانی اصلی و مشترک دارد، مردم در ایران! در این جدال‌ها تحریم و تهدید، ابزار تحمیل سیاست و رام کردن جمهوری اسلامی است؛ نه "حقوق بشر" در ایران و نه "خطر ایران هسته‌ای برای صلح جهانی" و نه "امنیت مردم منطقه"، بر خلاف پروپاگاندا و هیاهوی طرفداران تحریم، بالایی‌ها تحریم را به فرصت برای رانت خواری تبدیل می‌کنند، انحصار را را فریتر می‌سازد، فلاکت را به مردم تحمیل می‌کند و نهایتاً قربانی اصلی مردم، از کارگر تا جوان بیکار و کودکان و بیماران نیازمند دارو خواهند بود.

به هیچ شعبده بازی نمیتوان از دل تحریم اقتصادی، و در این مورد مشخص قطعنامه‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی "سرکش"، سرسوزنی "هدف انسانی"، "دفاع از مردم" بیرون کشید. تحریم را باید همان چیزی نامید که هست. **جنگ اقتصادی علیه مردم!** مجازات جمعی مردم به بهانه ضدیت با حکومتی ارتجاعی! ابزار قلدری و معامله‌گری قدرتهای امپریالیستی و ماشین تولید رانت برای بالا و فلاکت برای پایین!

تحریم‌ها جنگ اند، اما جنگی که با نان و دارو و معیشت مردم پیش می‌رود. تنها پاسخ واقعی، نه به این جنگ علیه مردم، سازمان‌یابی طبقاتی و همبستگی جهانی باین جامعه از غزه تا تهران، از کاراکاس تا خارطوم، علیه جهانی که جنگ را، در هر شکل و قالبی، به میلیارد‌ها انسان در کره خاکی تحمیل میکنند و زندگی میلیارد‌ها انسان را دستمایه کشمکشها و سیاستهای ارتجاعی خود قرار میدهند. تلاش مشترک بشریت برای دستیابی به جهانی که در آن نان و دارو ابزار معامله‌ی امپریالیست‌ها نباشند.



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

سخنگویان و ایده پردازان بورژوا، مارکسیسم و کمونیسم کارگری را متهم میکنند که مبلغ اعمال قهر و خشونت برای رسیدن به اهداف اجتماعی خویش است. واقعیت اینست که این خود نظام بورژوایی است که از بنیاد بر خشونت سازمان یافته متکی است. خشونت علیه جان و جسم انسان ها، خشونت علیه عواطف و اذهان آنها، خشونت علیه امید و تلاش آنها برای بهبود زندگی و دنیای خویش. نظام کار مزدی، یعنی اجبار هر روزه اکثریت عظیم جامعه به فروش توان جسمی خویش به دیگران برای امرار معاش، سر منشاء و چکیده کل خشونت ذاتی این نظام است. زنان، کارگران، کودکان، سالخوردهگان، مردم مناطق محروم و عقب مانده تر جهان، هر کس حقی را مطالبه میکند و علیه ستمی بلند میشود، و هر کس و همه کس که در جامعه موجود مهر تعلق به این یا آن "اقلیت" به پیشانی وی کوفته شده است، قربانی مستقیم و هر روزه خشونت عریان نظام موجود است. جنگ و مردم کشی، اساسا در پی رقابت سرمایه ها و قطب های اقتصادی، در این نظام ابعاد خیره کننده ای پیدا کرده است. تکنولوژی سلاحهای انهدام و کشتار جمعی از تکنولوژی تولید به مراتب پیشرفته تر است. زرادخانه بورژوازی در سطح بین المللی برای انهدام چندین و چندباره کل کره ارض کافی است. این نظامی است که سلاح های مخوف اتمی و شیمیایی را عملا علیه توده مردم بکار برده است. و بالاخره علاوه بر همه اینها، جامعه بورژوایی میتواند به پیشرفت های خیره کننده اش در تبدیل جنایت، قتل و تعدی و تجاوز به امری عادی و هر روزه در زندگی عموم مردم، مفتخر باشد.

برنامه یک دنیای بهتر